

من معتقدم که انقلابی بودن و شور انقلابی در ذات تبلیغ وجود دارد. مبلغ یعنی کسی که «طیب دوازبطه»؛ او در واقع یک حوزوی مجاهد است.

اولین شاخصه تبلیغ انقلابی، این است که بر معارف دین، به عنوان رکن اساسی تبلیغ، تخصصی تر، موضوعی تر و عمیق تر از دیگران مسلط باشیم؛ چون قرار است نیازهای جامعه را بر اساس معارف دین جواب دهیم.

دومین شاخصه، نیازشناسی دقیق، عمیق و وسیع برای پاسخ به نیاز جامعه امروز است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قرار است حوزه های علمیه پاسخ گوی نیاز حکومت، مردم، جهان اسلام و حتی نیاز همه مردم دنیا باشند چرا که مبلغان، بلندگوی دین ماست. سومین شاخصه تبلیغ انقلابی، تلاش حداکثری و حرکت جهادی است. متأسفانه بعضی از ما، تلاشی حداقلی یا در نهایت حدوسطی داریم! در حالی که باید تلاشی جهادگونه داشته باشیم تا انشاءالله مشمول بر کات حداکثری خدا نیز قرار بگیریم.

شاخصه دیگر، زمان شناسی است. گاهی به نیازهایی توجه می شود که مربوط به گذشته است؛ یا نیازهایی که هنوز زمانشان نرسیده! مبلغ بیش از هر چیز باید مردم را به نیازهای امروزشان توجه دهد.

و شاخصه بعدی این است که مبلغ با تمام این تلاش ها، از عنصر توکل و توسل و تفویض، نهایت استفاده را ببرد و خودش را مدیون عنايات قرآن و عترت و حضرت حق بداند: «و ما توفیقی الا بالله العلی العظیم».

و در نهایت این که شهادت در این مسیر را برای خود یک آرمان بداند؛ در تلاش جهادی، شهادت طلبی هم وجود دارد و مبلغ انقلابی قطعاً باید شهادت را بهترین آرمان و آرزوی خود بداند، انشاءالله.

**❖ رویکرد تبلیغی حوزه و حوزویان به نظام و نهادهای آن باید به چه صورتی باشد؟**

مبلغ بیش از توجه به نظام سیاسی، باید به دین توجه کند. اما از آن لحاظ که نظام ما دینی است، برای تقویت این نظام دینی، باید هم دفاع منطقی داشت و هم نقد منصفانه. مردم نباید مبلغ انقلابی را توجیه کننده احوال و اعمال حکومت بدانند؛ بلکه مبلغ دین، حکومت را با منطق درست تقویت می کند و در جای خود و با دلایل دینی، از جایگاه های حکومت، انتقاد نیز خواهد کرد. یعنی مبلغ اگر تقویت می کند، انتقاد می کند، فریاد می زند، تأیید می کند یا حمایت می کند، با خط کش دین است. در عین حال؛ اصلی ترین رسالت تبلیغ انقلابی،

برآورده کردن توقعات نظام از حوزه است؛ چرا که امروز نظام ما اسلامی است و توقع تقویت بنیه های دینی بخش های مختلف حکومت را از حوزه دارد.

**❖ گاهی مباحث علمی، فاصله های میان طلاب با اجتماع ایجاد می کند؛ چگونه می توان تربیت انقلابی را در طلاب به وجود آورد؟**

امام به ما یاد داد که تربیت صحیح، تنها با غرق شدن در کتاب های دینی و گوشه نشینی حاصل نمی شود؛ این روش نه تنها گری از جامعه باز نمی کند، بلکه مشکلاتی را هم ایجاد می کند. تبلیغ انقلابی از یک طرف باید بر منابع دینی تکیه کند و از طرف دیگر به واقعیت های اجتماعی نگاه کند. مبلغی که می خواهد بر اساس دین پاسخ گوی نیازهای مردم و به تعبیر امام عسکری (ع)، حوادث واقعه مردم باشد، نباید از مردم جدا باشد. البته از سوی دیگر به آن معنا نیست که آن قدر در واقعیت ها غرق شود که بنیه علمی و دینی اش ضعیف شود؛ بلکه در عین حال که دستی در منابع دینی دارد، ارتباط مردمی هم داشته باشد. البته به اعتقاد بنده، محققى که اهل تبلیغ است، طبیعتاً در جایگاه های اجتماعی حضور دارد و از واقع ها دور نخواهد ماند و حرف هایش هم مطابق با واقعیت ها و دل نشین تر خواهد بود.

**❖ اگر بخواهیم کاربردی تر به مسئله نگاه کنیم، این ارتباط بین طلبه و جامعه در چه زمانی باید شکل بگیرد؟**

نمونه موفقى در اهواز وجود دارد که به دستور آیت الله جزایری (حفظه الله)

طلبگی به همین حد و حضور تبلیغی در هیئت مذهبی محل اکتفا کرد.

طلبه از سال ششم و هفتم می تواند علاوه بر مسجد و هیئت، در تبلیغ هم شرکت کند و در سفرهای تبلیغی، رابطه عمیق تری با اجتماع برقرار کند.

به درس خارج که می رسد، تدریس در مدارس و دانشگاه ها، عرصه های مدیریت فرهنگی و تبلیغ در عرصه های گسترده تر، رسانه ها و اینترنت، ارتباط او با جامعه و واقعیت ها را بیشتر می کند.

بنابر این همان گونه که هیچ گاه نباید ارتباط طلبه با حوزه و حیطه علمی قطع شود، قطع ارتباط با واقعیت های جامعه هم هیچ گاه و در هیچ مقطعی درست نیست. به اعتقاد ما مبلغ مثل طبیب است که از همان سال های ابتدای تحصیل، باید با واقعیت های جامعه ارتباط داشته باشد تا طبش کاربردی باشد.

**❖ چگونه می توان روحیه انقلابی را در طلاب و مبلغان پرورش داد؟**

اگر روحیه جهادی در تدریس، تحصیل، تحقیق و تبلیغ به وجود بیاید، روحیه انقلابی هم در طلاب پرورش خواهد یافت. معنای روحیه انقلابی این است که با حفظ ادب و احترام به همه بزرگان حوزه، به همه حوزویان تذکر دهیم و تشویق کنیم تا حرکت حوزه، متناسب با نیازهای مردم جامعه و جهان امروز و توقع جهانی از اسلام باشد. امروز نیازهای نظام اسلامی و نهضت بیداری اسلامی سرعت زیادی دارد و اگر حوزه بخواهد با حرکت لاک پشتی حرکت کند، قطعاً به گردن نیازها هم نخواهد رسید.



**❖ روحیه انقلابی، توجه دادن به ضرورت روحیه جهادی در کارهای حوزه است؛ حوزه با خوددگی، تنبلی و خرامان خرامان حرکت کردن، قطعاً نمی تواند پاسخ گوی نیازهای داخلی، جهان اسلام و بشریت باشد.**

**❖ همان گونه که هیچ گاه نباید ارتباط طلبه با حوزه و محیط علمی قطع شود، قطع ارتباط با واقعیت های جامعه هم هیچ گاه و در هیچ مقطعی درست نیست.**

نیازهای پدیدآور به جهان اسلام عرضه کنیم. روحیه انقلابی یعنی به حوزه بگوئیم که رشد نیازهای جامعه، شیب تندى دارد و حوزه نیز باید با شیب تندى رشد کند. حوزه با خوددگی، تنبلی و خرامان خرامان حرکت کردن، قطعاً نمی تواند پاسخ گوی نیازهای داخلی، جهان اسلام و بشریت باشد. روحیه انقلابی در واقع، توجه دادن به ضرورت روحیه جهادی در کارهای حوزه است. البته معنای روحیه انقلابی، خدای نکرده پر خاش گری و بی ادبی به ساحت مقدس بزرگان نیست.

**❖ نظام اسلامی چه زمینه هایی برای تبلیغ دینی ایجاد کرده است؟**

علاوه بر زمینه های تبلیغی سنتی، یعنی مسجد و هیئت، که به برکت خون شهدا و نظام اسلامی گسترش پیدا کرده است، بسترهای متنوعی از رسانه های صوتی، تصویری و نوشتاری نیز به عرصه تبلیغ اضافه شده است. امروز هر مبلغی می تواند در هر یک از این رسانه ها حرف بزند یا بنویسد. شبکه های ماهواره ای، اینترنت و رسانه های مجازی هم امکان تبلیغ فراتر از مرزها را فراهم کرده اند. امروز میلیون ها دانش آموز و دانشجویان عرصه ای برای تبلیغ هستند. بستر جهاد و شهادت و راهیان نور هم برای تبلیغ حوزویان به برکت خون شهدا به وجود آمده است؛ عرصه اعتکاف، اردوها، محافل علمی و غیره.

**❖ با این تنوع ابزارهای تبلیغی که اشاره کردید و با توجه به تخصصی بودن آن ها، حوزه چگونه می تواند به همه آن ها برسد؟**

به نظر من حوزه باید تقسیم کار و امکانات کند. مقام معظم رهبری که در سال ۷۴ به قم تشریف آوردند، فرمودند بیاید ببینیم چقدر فقیه لازم داریم تا به همان نسبت در درس های خارج، فقیه بیرو را کنیم. چقدر مرجع می خواهیم، چقدر مبلغ داخلی و خارجی، مبلغ کودک، نوجوان، جوان، بزرگسال، اصناف و غیره. میزان هر کدام را شناسایی کنیم. الآن حوزه های علمیه بر اساس نیازها و به طور دقیق نیرو تربیت نمی کنند؛ گاهی صدها نفر در درس خارج یکی از بزرگان شرکت می کنند، در حالی که ما نیازی به هزاران نفر مجتهد و مرجع تقلید نداریم.

قطعاً همه مبلغان باید به طور حداقلی فقاقت را بیاموزند تا اجتهاد تبلیغی کنند؛ اما اگر نیازهای جامعه، از جامعه کوچک محله تا جامعه جهانی، رصد شود و امکانات و نیروی انسانی حوزه بر اساس نیازها تقسیم شود و متناسب با آن، برنامه های آموزشی گذاشته شود، به توفیق الهی از پس نیازهای خود و جهان اسلام بر خواهیم آمد.